

کشت مشارکتی ۳۸۲ هکتار گوجه‌فرنگی با کشاورزان بومی در اراضی آستان قدس رضوی

شرکت کشاورزی رضوی با هدف کمک به کشاورزی معیشتی و حفظ اشتغال پایدار در منطقه، قرارداد کشت گوجه‌فرنگی به صورت مزارعه‌کاری در سطح ۳۸۲ هکتار از اراضی خود را با حدود ۳۰۰ کشاورز بومی منعقد کرد تا با تأمین آب و زمین و همه هزینه‌های تولید، ریسک تولید را برای این قشر به حداقل برساند.

به گزارش آستان‌نیوز، در راستای اجرای سیاست‌های حمایتی آستان قدس رضوی از جوامع محلی، مدل جدیدی از کشاورزی قراردادی در اراضی تحت مدیریت شرکت کشاورزی رضوی اجرایی شده که تمرکز اصلی آن بر کاهش دغدغه‌های معیشتی کشاورزان قرار دارد.

مدیرعامل شرکت کشاورزی رضوی گفت: یکی از چالش‌های اصلی تولیدکنندگان، نوسان‌های قیمت در زمان برداشت است که برای رفع این نگرانی، در قراردادهای جدید قید شده که نرخ نهایی بر اساس قیمت روز تحویل به کارخانه محاسبه می‌شود تا سود واقعی نصیب کشاورز شود.

مهدی جفائی در خصوص چگونگی مدیریت ریسک و حوادث غیرمترقبه خاطر‌نشان کرد: در صورت بیمه شدن اراضی، هرگونه خسارت احتمالی به نسبت اندازه سهم میان شرکت و کشاورز تقسیم می‌شود تا بار مالی حوادث بر دوش تولیدکننده سنگینی نکند. همچنین شرکت کشاورزی رضوی همه هزینه‌های تولید شامل تأمین نشا، کود و سم را بر عهده گرفته و در پایان برداشت ۵۰درصد آن را از محل فروش محصول کسر می‌کند.

مدیرعامل شرکت کشاورزی رضوی با تأکید بر تغییر راهبرد کشت برای حمایت از معیشت مردم منطقه تصریح کرد: با وجود محدودیت‌های تأمین انرژی و برق چاه‌ها که سطح زیر کشت را به ۳۳۱ هکتار محدود می‌کرد، برای حفظ ثبات درآمدی خانواده‌های بهره‌بردار بومی، ۵۰ هکتار از سهمیه کشت ذرت کاسته و به سطح زیر کشت گوجه‌فرنگی اضافه شد تا مجموع اراضی به ۳۸۲ هکتار برسد.

جفائی در پایان یادآور شد: این قرارداد با ۳۰۰ کشاورز پیشگسوت و بومی منطقه منعقد شده و به منظور حمایت مالی از این عزیزان، پرداخت‌ها به صورت مساعده و علی‌الحساب از ابتدای زمان برداشت محصول آغاز می‌شود. در راستای حفظ و صیانت از حقوق موقوفه، کف تولید محصول گوجه‌فرنگی در اراضی مذکور در قرارداد به میزان ۴۸ تُن در هکتار قید شده است.

تشکیل پرونده قضایی برای شبکه ۲۲ نفره در حوزه ساخت و ساز شهری

دادستان مرکز خراسان رضوی از صدور کیفرخواست برای ۲۲ نفر؛ شامل ۱۳ مدیر و کارمند و ۹ کارچاق‌کن و تعلق ۱۳ کارمند در پرونده تخلفات برخی مناطق شهرداری مشهد خبر داد.

حسن همتی فر گفت: این پرونده در سه لایه مدیریتی، واسطه‌گری و پولشویی تشکیل شده و ساختمان‌های مرتبط تحت بازرسی فنی مجدد قرار می‌گیرند.

وی با تشریح جزئیات پرونده فساد کشف شده در بدنه شهرداری مشهد افزود: این شبکه در سه لایه مجزا؛ اما هماهنگ فعالیت می‌کرد؛ لایه نخست شامل برخی مدیران و کارشناسان دوایر نظارت بر ساخت‌وساز و پلیس ساختمان بود که در ازای دریافت رشوه، تخلفات ساختمانی را نادیده گرفته و تأییدیه‌های فنی بدون پشتوانه صادر می‌کردند، لایه دوم توسط واسطه‌های حرفه‌ای شکل گرفته بود که نقش کارچاق‌کن را ایفا کرده و میان سازندگان متخلف و مدیران فاسد ارتباط برقرار می‌کردند و لایه سوم نیز به پولشویی و تظهیر وجوه نامشروع اختصاص داشت که طی آن، مبالغ رشوه از طریق حساب‌های بانکی بستگان درجه یک شامل مادران، همسران و برادران متمهمان جابه‌جا می‌شد.

دادستان مرکز خراسان رضوی در ادامه به ابعاد مالی این پرونده اشاره و بیان کرد: تاکنون حدود ۲۵۰ عدد سکه طلا کشف یا بر اساس اقرار متهمان و ردیابی‌های مالی احراز شده است. همچنین هفت واحد آپارتمان در مناطق مختلف، چندین دستگاه خودرو سواری، مقادیری دلار، یورو و چند دستگاه گوشی تلفن همراه آیفون شناسایی و ضبط شده است. همتی فر اظهار کرد: بر اساس مستندات موجود، این شبکه از روش‌های پیچیده‌ای مانند پیش‌فروش‌های صوری آپارتمان، تهاتر با مصالح ساختمانی و خدمات لوکس، برای پنهان‌سازی رد پای رشوه‌ها استفاده می‌کردند.

وی ادامه داد: یکی از نگران‌کننده‌ترین ابعاد این پرونده، تأیید استحکام ساختمان‌هایی است که فاقد استانداردهای لازم بوده‌اند؛ چرا که این افراد با دریافت رشوه، جان شهروندان را به خطر انداخته‌اند. به همین دلیل دستور داده شده تمام ساختمان‌هایی که به گونه‌ای با این پرونده مرتبط هستند، تحت بازرسی فنی مجدد قرار گیرند و در صورت نیاز، هزینه‌های ایمن‌سازی از دارایی‌های مصادره شده متمهمان تأمین شود. دادستان مشهد خاطر‌نشان کرد: این پرونده همچنان در حال رسیدگی است و تحقیقات در لایه‌های پنهان آن ادامه دارد. هیچ فرد یا نهادی در برابر قانون مصونیت ندارد و تا حصول نتیجه نهایی، پرونده با قاطعیت پیگیری می‌شود. این مقام قضایی همچنین از شهروندان و کارشناسان پاکدست خواست هرگونه رد پای فساد یا موارد مشکوک مشابه را به طور مستقیم به دفتر ویژه دادستانی گزارش کنند و تأکید کرد: امنیت و هویت گزارش‌دهندگان (سوت‌زنان) خط قرمز دستگاه قضایی است و به طور کامل تأمین خواهد شد. همتی فر افزود: صندلی مدیریت، یک امانت الهی و عمومی است و به افرادی که همچنان در اندیشه تخلف هستند، هشدار می‌دهیم که دستگاه قضایی بیدار است و بر مسائل اشراف اطلاعاتی کامل دارد، در مسیر پیگیری حقوق مردم ثابت قدم خواهد بود و هیچ ملاحظه‌ای در این راه ندارد.

رئیس سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد خبر داد

رونمایی از المان فاخر غدیر در مشهد



وی افزود: این اثر چهارشنبه ۱۳ خرداد ساعت ۳۰:۳۰ همزمان با شب عبد غدیر در میدان غدیر واقع در خیابان جمهوری اسلامی رونمایی خواهد شد و به‌عنوان نمادی ماندگار از پیام ولایت در منظر شهری مشهد قرار می‌گیرد.

معاون شهردار مشهد با بیان اینکه میدان غدیر و محور جمهوری اسلامی از فضاهای شاخص شهری و از جمله خیابان‌های علوی مشهد هستند، تصریح کرد: همزمان با سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی و فرارسیدن عید سعید غدیر، برنامه‌های متنوع فرهنگی و اجتماعی در این محدوده برگزار خواهد شد و غرفه‌های فرهنگی مستقر در خیابان جمهوری اسلامی نیز خدمات متنوعی را به شهروندان و زائران ارائه خواهند داد.

کیانی درباره ویژگی‌های این اثر گفت: المان غدیر با طراحی و اجرایی محمدمهدی وثوق، هنرمند و مجسمه‌ساز مشهدی، از جنس فایبرگلاس و با ارتفاع ۹ متر ساخته شده است. روی پایه این اثر نیز حدیث نورانی «من کنت مولاة فهذا علی مولاة» به صورت نوری نقش بسته که پیام غدیر را در قالبی هنری و ماندگار به مخاطبان منتقل می‌کند.

رئیس سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد خاطرنشان کرد: جشنواره هنرهای شهری فرصتی ارزشمند برای پیوند هنر، هویت دینی و زندگی شهری است و المان غدیر نیز در همین راستا با هدف تجلی فرهنگ ولایت و بازآفرینی مفاهیم عمیق دینی در سیمای شهر طراحی شده است.

■**تغییر نام بولوار «امت» در مشهد به نام امیرالمؤمنین(ع)**

وی اظهار کرد: همزمان با دهه ولایت و عید سعید غدیر با مصوبه کمیته نام‌گذاری و تأیید شورای اسلامی شهر مشهد، بولوار «امت» در محدوده بولوار وحدت تا میدان امت و همچنین امتداد بولوار امیرالمؤمنین(ع) و گذر تشریف‌رہ‌باغ حضرت زهرا(س) به نام مبارک امیرالمؤمنین(ع) مزین می‌شود.



شروع جنگ به آن‌ها گفتیم بیاینده؛ اما به دلیل حساسیت شغلی شان، امکان مرخصی گرفتن رانداشتند. دخترم آن‌ام یادبار بود و دو هفته پیش از شهادت همسرش، بر اثر موج انفجار در تهرانسر محکم به‌دیوار پادگان آن سمت خیابان برخورد کرد. آن روز سه نفر از همکارانش شهید شدند و خودش هم فرزند سه ماهه‌ای را که باردار بود، از دست داد.

مادر همسر شهید علی اصغر حسینی درباره خصوصیات اخلاقی دامادش بیان می‌کند: داماد خیلی پسر خوب، مهربان و مؤدبی بود. هرچه از خوبی‌هایش بگویم، کم گفته‌ام. ما خیلی از او راضی بودیم، اگر کسی به او حرف بدی می‌زد، هیچ‌وقت مقابله به مثل انجام نمی‌داد و تنها سکوت می‌کرد. در این یک‌سال و ۶ ماه که داماد خانواده ما بود، از او بی‌ی ندیدم. هر وقت به او می‌گفتیم کاری را برای ما انجام دهد، می‌گفت چشم و آن کار را انجام می‌داد.

براهویی می‌افزاید: اهالی روستایشان در روز تشییع پیکرش همه از غم از دست دادن او ناراحت بودند و آشک می‌ریختند. یک خانم میانسال از اهالی روستایشان آن روز با گریه می‌گفت «علی اصغر امسال چه کسی زمین‌های کشاورزی‌ام را سم‌پاشی کند؟» پس از آنکه با او صحبت کردم، متوجه شدم دامادم سال گذشته بدون اینکه این خانم اطلاع داشته باشد، زمین‌هایش را آبیاری و سم‌پاشی کرده بود. دامادم در مراسم دهه اول محرم و سایر مراسم‌های عزاداری این ماه‌هم همیشه خیلی زحمت می‌کشید.

او اظهار می‌کند: پیش از تحویل سال به دخترم زنگ زدم و گفتم «چه کار می‌کنید؟» پاسخ داد: «داریم فرش می‌شویم». گفتم «مادر، شما که تازه پنج ماه‌است به خاتمتان رفتید، ایچه کوچکی هم که ندارید، میهمانی هم ندارید، چرا فرش می‌شوید؟» گفت «مامان، علی اصغر گفته بیا فرش‌ها را بشویم و خانه را تمیز کنیم که اگر شهید شدیم و همکارانمان خواستند به خانهمان بیایند، خانه‌تمیزباشد».

مادر همسر شهید علی اصغر حسینی درباره آخرین شب حضور شهید در منزلش بیان می‌کند: دخترم می‌گوید در اام جنگ از ۶ صبح تا حدود ساعت ۱۸ یا ۱۹ یکسره مشغول کار بودیم. برای همین خیلی خسته می‌شدیم و توان حرف زدن و راه رفتن نداشتم و وقتی به خانه می‌آمدیم، مثل جنازه از خستگی می‌افتادیم. شب قبل از شهادتش همسرش نمی‌گذاشت او بخواهد او آن شب‌را تا ساعت ۳ نیمه‌شب به صحبت و شوخی و خنده گذرانند.

براهویی با بیان اینکه من از سه روز پیش از شهادت دامادم دلشوره عجیبی داشتم و روزی چندین بار با دخترم تماس می‌گرفتم تا از آن‌هایی خبر نباشم، عنوان می‌کند: صبح یازدهم فروردین که دامادم شهید شد، ساعت ۶ بیدار شدم و به دخترم پیام دادم؛ اما جواب نداد. ساعت ۷:۳۰ به دخترم زنگ زدم جواب نداد. پس از آن به گوشی آقایعلی اصغر زنگ زدم. دخترم تلفن را برداشت.

معاون شهردار مشهد ادامه داد: تغییر نام بولوار «امت» در مشهد به نام امیرالمؤمنین(ع) در راستای ترویج فرهنگ علوی، پاسداشت مناسبت‌های دینی و تقویت هویت مذهبی و معنوی شهر مشهد است. انتخاب نام امیرالمؤمنین(ع) برای این معبر، نشانه‌ای از ارادت مردم مشهد مقدس و مدیریت شهری به سیره نورانی حضرت علی(ع) و ارزش‌های والای عدالت، معنویت و خدمتگزاری است.

کیانی با اشاره به همزمانی این اقدام با ایام فرخنده ولایت افزود: عید سعید غدیر، عید اکمال دین و تجدید بیعت با ولایت است و نام‌گذاری این محور مهم شهری به نام امیرالمؤمنین(ع)، می‌تواند در ذهن و زبان شهروندان و زائران، یاد و پیام غدیر را زنده‌تر و ماندگارتر کند.

رئیس سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد اظهار کرد: امیدواریم این اقدام، گامی کوچک در مسیر ترویج فرهنگ علوی و خدمت صادقانه به شهروندان و زائران امام رضا(ع) باشد و مشهدالرضا(ع) بیش از پیش به‌عنوان شهر معنویت، ولایت و محبت اهل بیت(ع) شناخته شود.

■**برپایی «گذر اطعام علوی» در مشهد مقدس**

وی در ادامه به اجرای اطعام بزرگ علوی در مشهد اشاره کرد و گفت: همزمان با عید سعید غدیر خم، خیابان جمهوری اسلامی مشهد به «گذر اطعام علوی» تبدیل می‌شود؛ رویدادی بزرگ که در آن ۱۶۸ دیگ غذای گرم به یاد دانش آموزان شهید مدرسه شجره طیبه میناب طبخ و در مناطق کم‌برخوردار توزیع خواهد شد.

معاون شهردار مشهد افزود: اطعام علوی یکی از بزرگ‌ترین جلوه‌های مردمی عید غدیر است و امسال با مشارکت آستان قدس رضوی، هیئت‌های مذهبی، مجموعه‌های مردمی و مدیریت شهری، برنامه‌ای گسترده در محور جمهوری اسلامی پیش‌بینی شده است.

کیانی تصریح کرد: در این رویداد، ۱۶۸ دیگ غذای گرم به یاد ۱۶۸ دانش آموز شهید مدرسه شجره طیبه میناب طبخ و پس از آماده‌سازی، در مناطق کم‌برخوردار و حاشیه شهر توزیع خواهد شد. این اقدام تنها یک برنامه اطعام نیست؛ بلکه جلوه‌ای از همدلی، مواسات و ترویج فرهنگ علوی در سطح شهر است که با مشارکت گسترده مردم و مجموعه‌های فرهنگی و مذهبی شکل می‌گیرد.

وی گفت: مدیریت شهری مشهد تلاش کرده با تلفیق برنامه‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی، جلوه‌ای باشکوه از بزرگداشت عید سعید غدیر را در پایتخت معنوی ایران به نمایش بگذارد.

پرسیدم «خواید؟» گفت «آره خواب بودیم. چرازودتر بیدارمان نکردید؟ چون

باید سر کار می‌رفتیم.» گفتم «اشکالی نداره، صبحانه بخورید و بروید. مراقب خودتان باشید.» دخترم گفت «آن روز قبل از اینکه اتفاقی بیفتد، حالم بد بود و یک لحظه می‌خندیدم و یک لحظه گره می‌می‌کردم. همکارانم گفتند چه شده؟ چرا این‌گونه هستی؟ پاسخ دادم نمی‌دانم امروز چرا حالم بد است. گفتند شاید به خاطر دل‌تنگی برای پدر و مادرت باشد.»

او خاطرنشان می‌کند: محل کار دامادم تهرانسر و محل کار دخترم گرمدره بود. آقای اصغر روز شهادتش از تهرانسر می‌آید تا با یکی از دوستانش، شهید صادق علیزاده غذای همکارانش در گرمدره پایین را ببرد. همیشه فرد دیگری غذا را می‌برد و آن روز آن‌ها می‌خواستند این کار را انجام دهند.

دامادم برای دخترم و همکارانش غذا می‌برد؛ اما هنوز خودش غذا نخورده بود و گفت: ناهار بچه‌های گرمدره پایین را که دادیم، به حراست می‌رویم و غذا می‌خوریم. بعد به دخترم گفتم: فاطمه زهرا چرا زنگت پریده؟ دخترم پاسخ داد: نمی‌دانم چرا دلشوره دارم. تو را به خدا مواظب خودت باش. بیا با ما غذا بخور بعد غذای بچه‌ها را ببر. گفت: «نه باید غذای آن‌ها را ببرم».

بعد هم قرار گذاشتند که ساعت ۴ عصر دنبال دخترم برود و با هم بیرون بروند. علی اصغر رفت و ۱۰ دقیقه بعد صدای انفجار آمد و گفتند گرمدره پایین را دشمن زده است.

مادر همسر شهید علی اصغر حسینی ادامه می‌دهد: بعد یکی از همکاران دخترم او را با خودرو به محل اصابت می‌برد که پنجمین موشک نیز به آنجا اصابت می‌کند. ۲۳ نفر آن روز آنجا بودند. دخترم به سمت محل اصابت می‌رود و می‌گوید می‌خواهم شوهرم را نجات دهم؛ اما همکارانش جلو او را گرفتند تا به دل آتش نزنند. دخترم یک‌تکه از براده‌های موشک دشمن را که روی زمین افتاده بود، برمی‌دارد و زیر گلویش می‌گذارد و می‌گوید که «با من کاری نداشته باشید وگرنه جنازه من را هم با پیکر شهدا باید ببرید». دخترم جلو می‌رود و پیکر همه شهدا را شناسایی می‌کند. پیکر همسرش و همه همکارانش اربا آریا شده بود و علی اصغر را از تنها قسمت سالم بدنش که زانویش بود، شناسایی می‌کند؛ چرا که دامادم چند سال قبل تصادف کرده بود و یک زخم قدیمی روی زانویش داشت. آن لحظه آن قدر حال دخترم بد می‌شود که به او آمپول آرامبخش می‌زنند و می‌گویند علی اصغر بیمارستان است و باید به آنجا برویم.

براهویی با بیان اینکه دخترم ساعت ۱۴:۳۰ همان روز با ما تماس گرفت و خبر شهادت همسرش را داد، می‌گوید: ما همان موقع از فردوس راهی تهران شدیم و ساعت ۵ صبح به تهران رسیدیم. سپس برای دیدن دخترم به بیمارستان رفتیم. حالش خیلی بد بود. هنوز هم حالش خوب نشده و این روزها با تجویز پزشک با داروی آرامبخش می‌خواهد.

او یادآور می‌شود: روز دوم که به معراج شهدا رفتیم، پیکر داماد شهیدم را شناسایی کردند و به ما تحویل دادند. بعد همراه با پیکر شهید به فردوس آمدیم. پیکر دامادم ۱۴ فروردین در فردوس و ۱۵ فروردین در زادگاهش بشرویه تشییع و سپس در روستای نیگنان تدفین شد.

مادر همسر شهید علی اصغر حسینی خاطر‌نشان می‌کند: دخترم درسش را ادامه نداده؛ اما در تهران که مشغول کار بود، استعدادش را شناخته بودند و قرار بود در یکی از رشته‌های مهندسی درسش را ادامه دهد؛ اما با شهادت همسرش اکنون حال و حوصله درس خواندن ندارد و آن را به وقت دیگری موکول کرده است.